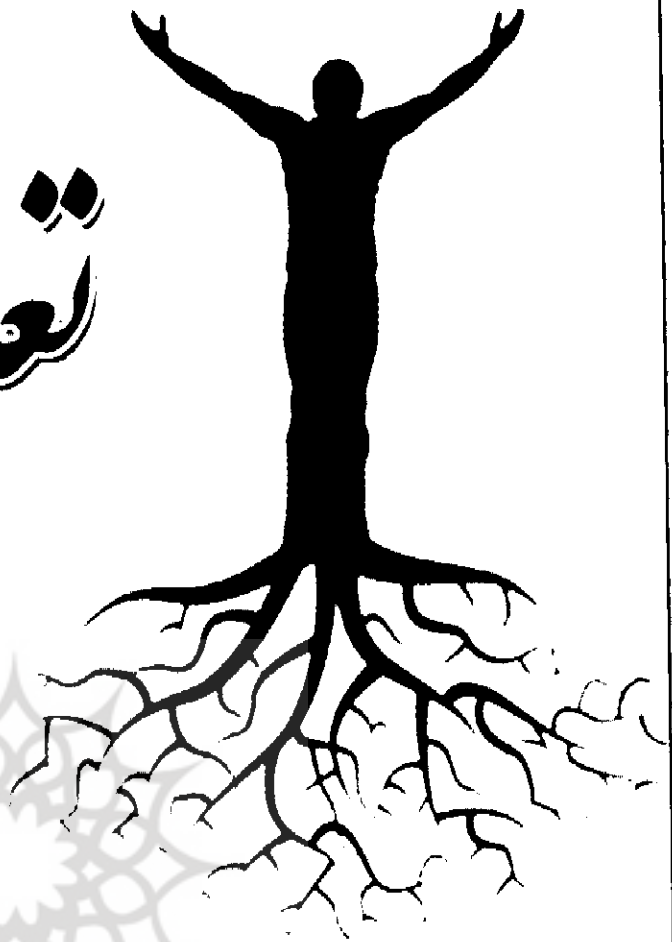


# تعلیم و تربیت دینی

(کلیات)



در گمراهی آشکاری بودند (سوره جمعه، آیه ۲). پیامبران الهی به عنوان الگوهای نیکو طبق آیات قرآن کریم چهار سمت کلی بر عهده دارند که جدای از تقدم و تاخر آنها در آیات گوناگون به شرح زیر بیان شده‌اند:

۱- تلاوت آیات الهی

۲- تزکیه

۳- تعلیم کتاب

۴- تعلیم حکمت (سوره بقره، آیات ۱۵۱ و ۱۲۹ و سوره جمعه، آیه ۲).

مطابق بیان این آیات می‌توان گفت که مهم‌ترین وظیفه پیامبران الهی تعلیم و تربیت انسان‌ها یا به تعبیر دیگر، انسان‌سازی است. امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر این امر می‌فرماید: «تمام انبیاء، موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان، انسان است. آمده‌اند، انسان را تربیت کنند... کتب انبیاء، کتب انسان‌سازی است. قرآن کریم کتاب انسان است؛ موضوع علم انبیاء، انسان است» (تفسیر امام خمینی). به همین دلیل اولین آیاتی که به رسول اکرم (ص) به حسب روایات و تواریخ نازل شده است، آیاتی است که بر تعلیم و تعلم کتاب و حکمت تأکید می‌نمایند: بخوان که پروردگارت [جهان را] آفرید، همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد؛ بخوان که پروردگارت [از همه] بزرگوارتر

## مقدمه

انسان دنیای امروز به لحاظ پیچیدگی‌های زندگی و وسعت و سرعت تغییرات، با چالش‌های فراوان روبه‌روست که با گذشت زمان این چالش‌ها روبه فزونی است. هر یک از این بحران‌ها، مشکلاتی را بر چگونگی زندگی افراد و رفتارهای اجتماعی و فردی آنها تحمیل می‌کند. در حال حاضر برای رویارویی با این مشکلات روبه افزایش، نیاز به تربیت انسان‌های متعهد به اصول و ارزش‌های دینی و آرمان‌های جامعه، بیش از پیش ضرورت یافته، پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های خاص را می‌طلبد.

## اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت دینی

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می‌آموزد. هر چند پیش از آن

است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آن چه را نمی دانست یاد داد» (سوره علق، آیات ۵-۱). ولی از آن جا که تعلیم و تعلم به تنهایی کارساز نیست، در ادامه آیات به تزکیه سفارش می فرماید: «چنین نیست [که شما می پندارید]، به یقین انسان طغیان می کند، از این که خود را بی نیاز ببیند (سوره علق، آیات ۷-۶). یعنی طغیان و طاغوت بودن از بزرگ ترین موانع تعلیم و تعلم شمرده می شود و به همین دلیل بلافاصله بازگشت به سوی خداوند را برای تزکیه کردن یادآوری می نماید: «به یقین بازگشت [همه] به سوی پروردگار تو است» (سوره علق، آیه ۸).

### مفهوم و ماهیت تعلیم و تربیت دینی

آموزش و پرورش دینی به معنای فعالیتی تعاملی و دو جانبه است که بین معلم یا مربی و دانش آموز یا متربی در جریان است و تا زمانی که متعلم و متربی به هدف نهایی تعلیم و تربیت، یعنی رشد و کمال دست نیافته باشند، این فعالیت استمرار می یابد. نظام تعلیم و تربیت دینی، متعلمان را به گونه ای تربیت می کند که در گرایش هایشان نسبت به زندگی، در اعمال و تصمیم هایشان و در برخورد با تمام معارف، همواره حاکمیت ارزش های اخلاقی الهی را احساس کنند. در چنین نظامی علاوه بر ایجاد نظم ذهنی، متعلمان به گونه ای تربیت می شوند که دانش را صرفاً برای ارضای کنجکاوی های فکری یا منافع دنیوی کسب نمی کنند؛ بلکه منطقی و متقی بار می آیند و فراهم آوردن موجبات رفاه مادی، معنوی و اخلاقی خانواده، ملت، خود و بنی آدم را و جهت همت خویش قرار می دهند. متعلمی که از آموزش و پرورش دینی برخوردار می شود موزون با طبیعت و نه معارض با آن زیست می کند؛ زیرا دین الهی تا آن جا که متصور است، هدف آموزش و پرورش را در دنیا به غایت سنجیده و جامع عرضه کرده است. بر همین اساس، تعلیم و تربیت دینی به عنوان فرایندی جامع که می تواند توانمندی های عقلی، عاطفی و احساسی آدمی را همزمان شکوفا سازد، معرفی شده است و در این نوع از تعلیم و تربیت هدف تنها کسب معرفت نیست، بلکه رشد و شکوفایی موزون همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه است.

### چارچوب نظام تعلیم و تربیت دینی

هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص آغاز، و بی هدف پایان پذیرد. امر تعلیم و تربیت که یکی از زمینه های مهم در مناسبات انسانی است نیز، از این قاعده مستثنا نیست. حداقل مفاهیمی که در دستور کار هر مکتب

تعلیم و تربیتی قرار می گیرد عبارت است از: مبنا، هدف، اصل و روش. شناخت مفاهیم مزبور و درک نحوه ارتباط آن هانست به یکدیگر و کارکرد متمایز هر یک در زمینه تعلیم و تربیت، ما را به ساخت چارچوب یا نظام تعلیم و تربیتی مشخص رهنمون می سازد؛ چارچوبی که فرایند تعلیم و تربیت در آن آغاز، و به سرانجامی متناسب با شاخص های آن، نایل می شود. پذیرش همین قواعد و اصول کلی سبب امتیاز و تشخیص مکاتب تربیتی و جدایی آن ها از یکدیگر می شود. به دلیل اهمیت این مفاهیم، به بحث درباره آن ها می پردازیم.

### اصول تعلیم و تربیت

در قدیمی ترین تعریف در زبان فارسی آمده است: «تعلیم و تربیت در حقیقت مجموعه منظمی از رفتار است و جز این نیست. پس در آموزش و پرورش باید در جستجوی اصل عمل و رفتار بود. علم آموزش و پرورش نیز عبارت است از شناسایی مجموعه اصولی که منشأ و مصدر رفتار آموزگار و دانش آموز است و در ضمن عمل، یعنی در حین آموختن، فرا گرفتن، هدایت کردن و پرورش یافتن، آموزگار و شاگرد، هر دو را به کار می آید. از این لحاظ بنابر نظر یکی از دانشمندان این فن، علم آموزش و پرورش، علم به اصول است و بس...» (هوشیار، ۱۳۳۵، ص ۵).

شکوهی در بحث اصول آموزش و پرورش می نویسد: «اصول تعلیم و تربیت مریبان را به منزله ابزاری است که با استفاده از آن می توانند به موقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خویش را به نحو رضایت بخشی انجام دهند» (شکوهی، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

شریعتمداری نیز تعریف زیر را ارائه کرده است: «اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیش تر موارد صادق است و باید راهنمای مریبان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد...» (شریعتمداری، ۱۳۶۴، ص ۱۱).

باقری، اصل تربیتی را چنین تعریف کرده است: «... مقصود از اصل، قاعده عامه ای است که می توان آن را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد» (باقری، ۱۳۷۰، ص ۶۸).

احمدی در بحث از اصول تربیت در اسلام، اصل را زیربنا و ریشه و بنیانی می داند که به هیچ وجه نمی توان از آن تخطی کرد (احمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲).

در تعاریف فوق غالباً جنبه عملی و کاربردی اصول مد نظر قرار

گرفته و کم‌تر از عام بودن آن‌ها سخن گفته شده است؛ دلیل این امر آن است که در تعلیم و تربیت، صرف معرفی اصول عام کافی نیست و ارائه اصول کاربردی نیز ضروری است.

### مبانی تعلیم و تربیت

به علوم و حوزه‌هایی از معرفت که به واسطه آن‌ها اطلاعات لازم برای تنظیم جریان تعلیم و تربیت به دست می‌آید، مبانی گفته می‌شود. شکوهی در تعریف مبانی گفته است: «مبانی تعلیم و تربیت از موقع آدمی و امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی که حیات همواره تحت تأثیر آن‌هاست، بحث می‌کند...» (شکوهی، ۱۳۷۲، ص ۶۱).

با عنایت به مطالب فوق مشخص می‌شود که بین اصل و مبنا تفاوت وجود دارد. اصل مشتمل بر نوعی راهنمای کلی است که بر تمام جریان تربیت حاکم و ناظر است، در حالی که مبنا اغلب شامل یک یا چند رشته از معرفت بشری است که در کسب شناختی بهتر از جریان تربیت و تعیین اصول مقتضی به ما کمک می‌کند. بدیهی است بدون مراجعه به مبانی صحیح نمی‌توان اصولی صحیح را برای جریان تربیت استخراج کرد.

### هدف تعلیم و تربیت

هدف، نقطه‌ای است که هر جریان تعلیم و تربیتی درصدد رسیدن بدان است. از آن‌جا که تربیت جریانی پویا و مستمر است و هر لحظه به ایجاد حالتی پس از حالتی دیگر اقدام می‌شود تا این که انسان به کمال نهایی نائل شود، لذا رسیدن به هر مرحله و حالت می‌تواند نقطه‌ای تصور شود و نقش هدف را ایفا کند. تنها پس از رسیدن به هر مرحله و حالت است که هدف و مرحله بالاتری اهمیت می‌یابد و انسان را به کوشش و تلاش برای رسیدن بدان وا می‌دارد. این سیر سلسله مراتبی تا رسیدن به هدف نهایی تربیت ادامه دارد. لذا می‌توان به وجود دو دسته اهداف برای تربیت قائل شد: هدف نهایی و اهداف واسطه‌ای. هدف نهایی توسط خالق انسان تعیین می‌شود و مربی و متربی فقط باید آن را بشناسند و از طریق تعیین اهداف واسطه‌ای و روش‌های مربوط، به تحقق آن اقدام کنند.

### روش تعلیمی و تربیتی

منظور طریقه‌ای است که رسیدن جریان تربیت را به هدف مورد نظر میسر می‌سازد. به‌طور معمول برای انجام دادن هر کاری به دستورالعمل و راهنمای عمل احساس نیاز می‌شود و

اصل تربیتی در جریان رسیدن به هدف، برطرف کننده چنین نیازی است. تفاوت عمده اصل و روش تربیتی در این است که اصل، دامنه‌ای وسیع‌تر دارد و می‌تواند در آن واحد بر چند روش گوناگون حاکم و ناظر باشد، در حالی که روش تربیتی، خاص موقعیت ویژه‌ای است و متناسب با موقعیت باید از روش‌های خاصی برای رسیدن به اهداف تربیتی بهره جست.

در سلسله مقالاتی که از این پس تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد، مهم‌ترین اصول و روش‌های تعلیم و تربیت دینی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### منابع:

- احمدی، سید احمد (۱۳۶۸). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. تهران: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. چاپ دوم.
- باقری، خسرو (۱۳۷۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه. چاپ دوم.
- خمینی، روح‌الله. تفسیر امام خمینی. تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۴). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیر کبیر. چاپ اول.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۲). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی. چاپ سیزدهم.
- هوشیار، محمدباقر (۱۳۳۵). اصول آموزش و پرورش. تهران: دانشگاه تهران. چاپ سوم، جلد اول.

